

# ساقط کردن قاجارها، سیاست فارس سازی دولتی و مسئله تغییر خط عربی

حمید دباغی - ۲۰۰۱

اخیرا کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی یکی از دانشگاه‌های آذربایجان (اورمیة) کاربرد خط لاتین ترکی آذربایجانی را در نشریات دانشجویی ممنوع اعلام کرده است. مروری دوباره به نوشته زیرین نوشته شده به سال ۲۰۰۱ که به موضوع قومیت‌گرایان افراطی فارس در مقابل الفبای لاتینی ترکی پرداخته است خالی از فایده نخواهد بود. حمید دباغی

## قاجارها، فارس سازی و مسئله تغییر خط

بر خلاف ادعاها و خیال‌بافی‌های نیما راشدانه نامی، که به بهترین شکل عینا با کلمات خودش و تنها با صفات "موهوم، سطحی، مبتذل، توهین آمیز، تحریک انگیز، تشنج آفرین، ضداصلاحات" قابل توصیف بوده و نشانگر و محصول نبود هرگونه "علم و آگاهی" صاحب این افکار در موضوعات مورد بحث و متاسفانه تکرار و در ادامه سیاست بریتانیا، صهیونیسم، فراماسون ساخته رژیم پهلوی بر شالوده "نژادپرستی"، انکار کثرت ملی ایران و در دفاع از نابودسازی تنوع اثنیک مردم ایران هستند، به نظر بنده مقاله بسیار جالب "مشکلات آذری در ایران، داداش قاراقویونلو قزلباش"، که در باره یکی از اساسیترین معضلات مزمین ایران نگاشته شده، آشکارا در نقد سیاست دولتی انکار، امحاء گروه‌های ملی و افشای نژادپرستی و در مدافعه از قوانین بین‌المللی ای چون اصول حقوق بشر و آزادی و برابر حقوقی ملت‌های ایران است. مسئله ملی در ایران و منطقه بسیار پیچیده تر از آن است که بشود آنها را با خیال‌بافی‌های ساده لوحانه، تئوری‌های توطئه و ادعاهای موهوم راست‌های افراطی چپ نما، که در واقع فروغی‌ها و افشار‌های معاصراند، تبیین و حل کرد.<sup>1</sup>

<sup>1</sup> - لازم به یادآوری نیست که انتقاد بسیار سخیف نیما راشدانه از سایت وزین گویا به سبب جا دادن به مقاله "مشکلات آذری در ایران، داداش قاراقویونلو قزلباش"، نیز در جهت حذف دگراندیشی و بر علیه آزادی اندیشه و بیان و تبادل آزاد افکار و مقررات حرفه روزنامه نگاری است.

پس از انتشار مقاله "مشکلات آذری در ایران، داداش قاراقویونلو قزلباش"، از جمله مباحث آغاز شده در سایت گویا مسئله تغییر خط از عربی به لاتین در ایران است. شرکت کنندگان در این مباحثه تاکنون نظرات خود را به طور عمده در اطراف مناسب بودن و یا نبودن قبول خط لاتین برای زبان فارسی به جای خط عربی به لحاظ سیاسی و فرهنگی و یا مشکلات اجرائی این تغییر خط از جهات مالی، فنی و غیره ابراز داشته اند. اما هیچکدام تاکنون به نگرش و مسئله اصلی ای که آغاز کننده این مباحثه مطرح نموده است اشاره ننموده اند:

## ۱- ساقط نمودن قاجارها، آغاز فارسی سازی دولتی در ایران است:

دلایل پایان دادن به سلسله ترک و آذربایجانی قاجار و تاسیس دولت پهلوی در ایران به درستی و با اختصار در مقاله "مشکلات آذری در ایران، داداش قاراقویونلو قزلباش" ذکر شده اند. اسناد تاریخی، آرشیوهای طراحان و مجریان این پروژه یعنی وزارت مستعمرات بریتانیا و نیز تشکیلات جاسوسی، اطلاعاتی ام. آی. ۶، خاطرات دست اندرکاران این امر مانند اردشیر ریپورتر و غیره همه گویای این واقعیت است که پایان دادن به حکومت ترکهای آذربایجانی در ایران و ساختن دولتی فارس از اهداف اولیه این مراکز بود. عملیات و نیت آشکار انگلستان در این رابطه، در آن ایام در مطبوعات ایران و کشورهای مجاور و اروپایی نیز منعکس میشد که من به عنوان مثال یکی از آنها را ذکر میکنم:

"بیز احمد شاه'ی اونا گۆره تاختدان یئندیرمه‌دیک کی شاهلیغی دوست توتموروق. خئیر، اوندان اۆتورو یئندیردیک کی قاجارلار تورک نسلیندندیرلر.... احمدشاه'ی بیخماقدان مقصدیمیز اۆلکه‌ده جومهوری اوصل-ی ایداره‌سینی یاراتماق دئییلدی.... بلکه قولدورصیفت قاجارلاری پاک، نجیب فارس پهلوی سولاله‌سی ایله عوض ائتمک ایدی  
2"....

*"Biz Əhməd Şah'ı ona görə taxtdan yendirmədik ki sağlığı dost tutmuruq. Xeyir, Ondan ötürü yendirdik ki Qacarlar Türk nəslindəndirlər.... Əhməd Şah'ı yıxmaqdan məqsədimiz, ölkədə cumhuri usul-i idarəsini yaratmaq deyildi.... Bəlkə qurldursifət Qacarlari pak, nəcib Fars Pəhləvi sülaləsi ilə əvəz etmək idi."*

<sup>2</sup> - جلیل ممد قولوزاده، "مقصد نه ایمیش؟"، موللانصرالدین "ژورنالی"، سایه ۱، باکی، ایل ۱۹۲۶. (جلیل محمد قلیزاده، "مقصد چه بود؟"، مجله "ملانصرالدین"، شماره ۱، باکو، سال ۱۹۲۶)

ترجمه فارسی: "ما احمدشاه را به این دلیل که سلطنت را دوست نداریم از تخت به زیر نکشیدیم. خیر، او را از آن جهت ساقط کردیم که قاجارها از نسل ترکند... هدف ما از ساقط کردن احمد شاه برپا ساختن سیستم حکومت جمهوری نبود... هدف، جایگزین کردن قاجارهای قلدرصفت با سلسله نجیب و پاک فارس پهلوی بود...."<sup>3</sup>

## ۲- ابقاء خط عربی در ایران، تدبیری در خدمت سیاست آسیمیلاسیون ملی است:

ادعای مطرح شده در مقاله "مشکلات آذری در ایران، داداش قاراقویونلو قزلباش" با واقعیات تاریخی منطبق است آنجا که میگوید سیاست رسمی دولت ایران در ممانعت از تغییر خط فارسی-عربی به فارسی-لاتین در جهت آسیمیلاسیون ترکهای ایران است. سیاست دولتی در جلوگیری از تغییر خط زبان فارسی از عربی به لاتین به مثابه بخشی از تدابیر اتخاذ شده برای تجرید ترکهای ایران از همزبانانشان در جمهوری آذربایجان و ترکیه یعنی مآلا تدبیری در راستای آسیمیلاسیون ملی آنهاست. معلوم است که یکی از مقاصد جلوگیری از تغییر خط عربی به لاتین در ایران، به تعبیر "م.ع. فروغی" افزودن بر بینونیت بین گروههای ملی غیرفارس کشور با همزبانانشان در آنسوی مرزها میباشد. محمد فروغی (ماسون بزرگ، اجداد وی از تاجران یهودی تریاک از هندوستان ساکن در بغداد و از اعضای فراماسونری ایران بودند) میگوید:

"من از کسانی هستم که خط ایرانی [فارسی] را ناقص و دارای معایب میدانم.... ما باید یک مدت عوض شدن خط ترکهای [ترکیه] و ابقاه خط حالیه خودمان را برای مصالح سیاسی مغتنم بشماریم و استفاده نکنیم. یعنی اختلاف خطی را که بین ترکهای ترکیه و ترکهای آذربایجان [ایران] حادث میشود وسیله دور شدن آذربایجانیها از ترکهای ترکیه و مزید بینونیت بین آنها قرار دهیم. ولو اینکه بالمآل مصلحت ما هم در اصلاح ویا تغییر خط باشد."<sup>4</sup>

منظور این ایدئولوگ و نخست وزیر منتخب رضاشاه، بزرگ معمار رژیم پهلوی از "بینونیت" در این کلام وی توضیح داده شده است:

اول اینکه باید خرسند و خوشوقت باشیم از اینکه مبتلا به تعهداتی راجع به اقلیتهای خودمان نشده ایم و عهدا و قانونا کسی نمیتواند به جامعه ملل ویا هیچ مقام دیگر از دولت ایران نسبت به این موضوع شکایت کند.... ارمنی و یهودی و نصرانی [آسوری] چون عددا قلیل اند کمتر محل ملاحظه اند. ولیکن از سه عنصر مهم ترک و کرد و عرب نباید غافل بود. حاجت به تذکار نیست که مجاورت خوزستان یعنی اراضی عرب نشین ما با عراق و مجاورت

<sup>3</sup> - در شماره سوم روزنامه "سلامت" چاپ گیلان ترجمه فارسی این عبارت به شکل زیر آورده شده است: "مقصد از خلع احمدشاه نه اینکه تبدیل اصول اداره نظامی به جمهوریت بود. نه باالله- بلکه تعویض طائفه قولدورآسای قاجاریان ترکی به سلاله طاهره نجیب پهلوی فارسی بود."

<sup>4</sup> - از مکاتیب خصوصی مرحوم فروغی، مجله یغما، ۱۳۲۷، شماره ۷.

کردستان ما با ترکیه و عراق و مجاورت تمام شمال و شمال غربی ما که بسیاری از سکنه اش ترک زبانند با ترکیه، قفقاز و ترکستان، موجب نگرانی و بلکه مخاطره است.... برای متحدالجنس نمودن ایران، بهترین کارها نشر معارف فارسی و ایران است. اما آنهم نه بطوریکه محسوس شود که میخواهند آنها را فارس کنند.... اقلیتهای ما مایه ادبی و معارفی ندارند.<sup>5</sup>

"محمود افشار" از ایدئولوگهای ایرانی نژادپرستی (خود و خانواده اش از عمال و همیشه در خدمت سیاست استعماری بریتانیا و بعدها آمریکا بوده اند) در رابطه با جلوگیری از تسهیل امر نگارش و خواندن و نوشتن به زبانهای ملی غیرفارسی ایران، پس از تشریح عقاید خود در باره عدالت، آزادی و دموکراسی چنین میگوید: اگر افرادی سخن از عدالت، آزادی و دموکراسی بین الملل میرانند کسانی هستند که یا دیگران را گول میزنند یا خود گول خورده اند. ایرانیان دارنده چنین عقایدی فریب خوردگان هستند و خارجیان اظهار کننده چنان عقاید فریب دهندهگان.... اینها سرودهای استعمار و نغمه های استثمار است که به گوش خوشباوران خوش میآیند. چنین بوده، چنین است و چنین خواهد بود.... تنها فایده ای که برای تدریس زبان ترکی در دبستانها و رواج رسمی آن در ادارات میتوان تصور نمود سهولت برای کودکان و مردم است.... زبان ترکی یکی از عناصر مهم ملیت بلکه مهمترین آنهاست.... اگر مردم آذربایجان توانستند روزنامه های ترکی را به آسانی بخوانند و به ترکی چیز بنویسند و شعر بگویند دیگر چه نیازی به فارسی خواهند داشت؟.... به همین ملاحظات نگارنده با آموختن پنج دقیقه زبان ترکی هم در مدرسه یا دانشگاه آذربایجان مخالفم. ترکی در ایران از ترکنازی به وجود آمده است. این زبان در چند قرن پیش به طور مهاجم وارد کشور شده و قسمتی از خاک وطن عزیز ما را گرفته است و هیچگاه لهجه بومی نیست و زبان ملی نتواند بود. مهمان ناخوانده و مزاحم است. مهمانی است که به ناموس وطن دست درازی کرده است.... و با مقدرات ملت هم اکنون بازی میکند.... میخواهم آموزش فارسی را اجباری و مجانی و عمومی نمایند و وسائل این کار را فراهم آورند.... برای من تردیدی نیست که بی هیچ زحمت و دردسری برای هیچ کس و مخالفتی از هیچ کجا به مقصود خواهیم رسید، بی آنکه آذربایجانیها احساس کرده باشند بعد از پنجاه سال به زبان فارسی.... صحبت خواهند کرد.... باید حتما اینکار به دست خود آذربایجانیها صورت گیرد.... مطلب از دو حال خارج نیست: یا آذربایجانی ایرانی هست، یا نیست. اگر هست ترک نمیتواند باشد.... آذربایجانیان باید خودشان پیشقدم شده و زبان ملی خود را [منظور نگارنده لابد فارسی است!!] رواج دهند تا کم کم ترکی که خارجی است برود.<sup>6</sup>

به عنوان مثالی دیگر در راستای پروژه بینونیت افزائی که عدم تغییر خط از عربی به لاتین نیز بخشی از آن است، عباس اقبال آشتیانی "از طراحان سیاست زبانی دولت ایران دائر بر امحاء زبانهای ملی کشور، پس از آنکه در نوشته ای از خواست دموکراتیک احیاء و تقویت زبانهای ملی ایران و اهمیت دادن به زبانهای غیرفارسی به روشی راشدانه

<sup>5</sup> - محمد فروغی یغما، شماره ۷، مهرماه ۱۳۳۹، سال ۳.

<sup>6</sup> - "یگانگی ایرانیان و زبان فارسی"، دکتر محمود افشار، مجله آینده، سال ۱۳۷۷، تهران.

گونه با تعبیرات "جنبش مصنوعی، خطر بزرگ، نهضت دروغی، شجره خبیثه، نیرنگ و افسون، عاری از هر گونه نجابت و اصالت و شرافت، خیال خام، عجیب و مضحک، شوم و ناساز، حرکتی مذبوح و ابلهانه، افکار شوم، بازی مفتضح، تولید کننده اشمئزاز و انزجار که توسط تخمهای فاسد خارج کشور، اذهان آلوده به اغراضی خاص، دشمنان سفسطه کار، هرزه درایان بیخبر، مشتئی تیره دل در پی هوی و هوس کودکانه، بازیگران بیهنر، محقق نمایان مغرض..." یاد میکند (و اینهمه در یک مقاله!!!) در ترسیم سیاست زبانی دولت ایران، سیاست انکار و امحاء چنین میگوید:

آمدیم بر سیاست زبانی که دولت باید در داخله ایران معمول و مجری دارد.... در باب دو زبان عربی و ترکی .... دولت بیش از همه باید در یک امر بسیار مواظب و شدیدالعمل باشد.... مخصوصا مامورین او نباید بگذارند که هیچ روزنامه و کتاب و مجله ای که به این زبانها در خارج از ایران منتشر شده .... داخل کشور و در بین مردم بخصوص اطفال مدارس منتشر گردد.<sup>7</sup>

### ۳- مسئله تغییر خط مسئله تمام ملتها و زبانهای ایران است:

مباحثه کنندگان محترم بنا به عادت مالوف مساوی شمردن ایران و فارس، که مسائل ادبی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایران را فقط از جنبه این گروه ائنتیک مورد ارزیابی و بررسی قرار میدهد، به مسئله تغییر خط نیز فقط از جنبه زبان فارسی پرداخته اند. حال آنکه مسئله تغییر خط برای زبانهای غیرفارسی ایران که متکلمین به آنها حدود شصت در صد از جمعیت ایران، یعنی اکثریت مردم این کشور را تشکیل میدهند نیز مطرح و حتی دارای اهمیت مضاعف است. مسائل زبانی ایران منحصر عبارت از مسائل زبان فارسی نمیباشد.

اتخاذ الفبای لاتین به جای عربی در ایران، به دلیل آوائی بودن الفبای لاتین، باعث ثبت و بگارش زبانهای ملی ایران، یعنی زبان اکثریت مردم با سهولت و دقت بسیار میشود، امری که الفبای عربی فعلی از انجام آن بکلی عاجز است. علاوه بر این نگارش و تسهیل امر تعلیم و تعلم به این زبانها و در نتیجه شکوفائی ادبیاتشان تاثیر بازدارنده مثبتی بر روند فعلی که عبارت از مرگ تدریجی تمام زبانهای غیرفارسی است خواهد داشت. آشکار است که اتخاذ تدابیری و کوشش برای حفظ و گسترش زبانهای در حال مرگ، این میراث گرانبهای مشترک بشریت یکی از مبرمترین و شریف ترین وظائف جامعه آگاه و فعالین دموکرات سراسر جهان (البته به جز برخی راستهای افراطی بعضا چپ نما) میباشد.<sup>8</sup>

<sup>7</sup> - عباس اقبال آشتیانی. مجله یادگار، سال دوم، شماره های ۳ و ۶، سال ۱۳۲۴.

<sup>8</sup> - اشاره به نیما راشد، رونامه نگار وابسته به جریان قومیتگرایی افراطی فارس.

## ۴- فتوای میرزا فضل الله مجتهد اورمیه ای

نیز این تثبیت مقاله که مصلحین و روشنفکران ترک و آذربایجانی ایران، مدافع و پیشگام تغییر خط از عربی به لاتین بوده اند صحیح است. علاوه بر میرزا فتحعلی آخوندزاده و ابولقاسم آزاد مراغه ای که از پیشگامان و اصرار کنندگان این امر بشمار میروند، میتوان از آیت الله اورمیه ای حاجی میرزا فضل الله مجتهد نام برد. این آیت الله ترک آذربایجانی در فتوایی که در سال ۱۲۹۷ داده است چنین میگوید:

"تغییر در خط کتب یا اختیار خطی جدید مطلق جایز است بلا اشکال. بلکه هر گاه موجب تسهیل تعلیم و تعلم و تصحیح قرائت بشود راجح خواهد بود. اگر کسی توهم بکند که این تغییر تشبه به اهل خارجه است و جائز نیست، این توهم ضعیف است، که اینگونه تشبیهات حرام نیست و الا استعمال سماور باید جائز نباشد." (جریده اختر، سال ۱۲۹۷، شماره ۲۲).

دقیقا در مخالفت با سیاست زبانی انکار، امحاء دولت و برای حفظ و گسترش زبانهای ملی ایران است که امروزه نشریات ترکهای ایرانی در جوامع دمکراتیک خارج از کشور همه یا تماما با خط لاتینی و یا با دو خط لاتینی ترکی و عربی ترکی چاپ میشوند. نشریات ترکمنهای ایرانی خارج نیز به دو الفبای لاتینی ترکمنی و عربی ترکمنی چاپ میگردند. استفاده از خط لاتین برای بگارش زبان کردی نیز که سابقه طولانی داشته و به سالهای دهه سی میلادی باز میگردد روز به روز گسترده تر میشود. اخیرا جمعی از بلوچها اتخاذ خط لاتینی بلوچی را اعلام نموده و برای نگارش زبان لری نیز در ایران خطی لاتینی پیشنهاد شده است. و در نهایت جمعیت کنوانسیون یوروفارسی فعالیتهایی در مورد لاتین سازی زبان فارسی، دومین زبان ایران آغاز و خطی لاتینی برای زبان فارسی (اروفارسی) و یا یونی پرس) پیشنهاد کرده است.

## ۵- الفباهای لاتینی ملل ساکن در ایران:

برای آشنائی هر چه بیشتر با روند لاتین سازی زبانهای ایران، خطوط لاتینی چند زبان عمده رایج در ایران را در زیر میآورم:

### الفبای لاتین ترکی:

*A-a, B-b, C-c, Ç-ç, D-d, E-e, Ə-ə, F-f, G-g, Ğ-ğ, H-h, İ-i, I-ı, J-j, K-k, Ķ-ķ, L-l, M-m, N-n, Ñ-ñ, O-o, Ö-ö, P-p, Q-q, R-r, S-s, Ş-ş, T-t, U-u, Ü-ü, V-v, X-x, Y-y, Z-z, ' ,*

الفبای لاتین ترکمنی:

*A-a, Ä-ä, B-b, Ç-ç, D-d, E-e, F-f, G-g, H-h, İ-i, I-ı, J-j, K-k, L-l, M-m, N-n, Ñ-ñ, O-o, Ö-ö, P-p, R-r, S-s, Ş-ş, T-t, U-u, Ü-ü, W-w, Y-y, Ý-ý, Z-z*

الفبای لاتین کردی:

*A-a, B-b, C-c, Ç-ç, D-d, E-e, Ê-ê, F-f, G-g, H-h, I-i, Î-î, J-j, K-k, L-l, M-m, N-n, O-o, P-p, Q-q, R-r, S-s, Ş-ş, T-t, U-u, Û-û, V-v, W-w, X-x, Y-y, Z-z*

الفبای لاتین لری:

*A-a, Æ-æ, B-b, C-c, Ç-ç, D-d, E-e, É-é, F-f, G-g, H-h, Ĥ-ĥ, I-i, J-j, K-k, L-l, M-m, N-n, Ñ-ñ, O-o, P-p, R-r, S-s, Ş-ş, T-t, U-u, Ü-ü, W-w, X-x, Z-z*

الفبای لاتین بلوچی:

*A-a, B-b, C-c, D-d, E-e, F-f, G-g, H-h, I-i, J-j, K-k, L-l, M-m, N-n, O-o, P-p, Q-q, R-r, S-s, T-t, U-u, V-v, W-w, X-x, Y-y, Z-z*

الفبای لاتین فارسی:

*Ã-ã, A-a, B-b, C-c, D-d, E-e, F-f, G-g, H-h, I-i, J-j, K-k, L-l, M-m, N-n, O-o, P-p, Q-q, R-r, S-s, Š-š, T-t, U-u, V-v, W-w, X-x, Y-y, Z-z, Ž-ž*